

۵۵۹۰۴/۱۱۳۵۵۸

۱۳۹۷/۸/۲۹



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

بسمه تعالی

"با صلوات بر محمد و آل محمد"

جناب آقای دکتر لاریجانی

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

لایحه "موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد به انضمام پروتکل الحاقی" که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در جلسه ۱۳۹۷/۸/۶ هیئت وزیران به تصویب رسیده است، برای طی تشریفات قانونی، به پیوست تقدیم می‌شود.

حسین روحانی

رئیس جمهور

۵۵۹۰۴/ ۱۱۴ ۵۵۸
۱۳۹۷، ۸، ۲۹



بسمه تعالی

مقدمه توجیهی:

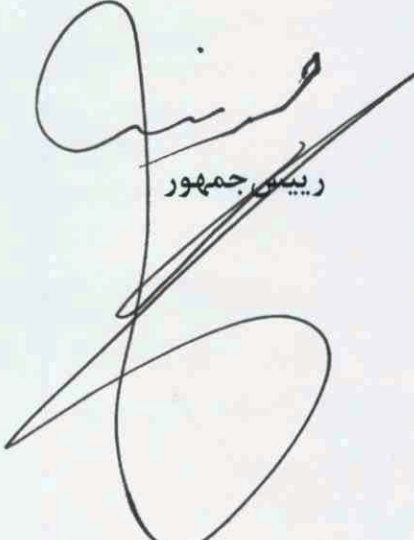
با عنایت به ضرورت گسترش همکاری‌های اقتصادی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند و لزوم اتخاذ تدابیر قانونی برای اجتناب از اخذ مالیات مضاعف از اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در هر دو کشور و با توجه به اهمیت بسزای ایجاد تسهیلات و تمهیدات مربوط و به منظور تضمین تداوم فعالیت‌های اقتصادی و نیز توسعه و ارتقای سطح مناسبات بین دو دولت، لایحه زیر برای طی مراحل قانونی تقدیم می‌شود:

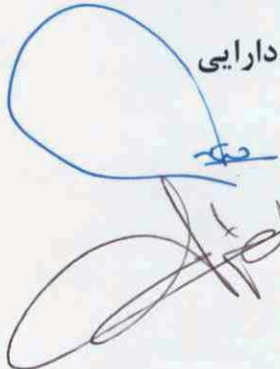
"لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد به انضمام پروتکل الحاقی"

ماده واحده - موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد به انضمام پروتکل الحاقی، مشتمل بر یک مقدمه و سی و یک ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره ۱ - هزینه‌های مالی موضوع بند (۴) ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲ - رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد هرگونه اصلاح موافقتنامه الزامی است.


رئیس جمهور

وزیر امور اقتصادی و دارایی

وزیر امور خارجه

موافقتنامه

بین

دولت جمهوری اسلامی ایران

و

دولت جمهوری هند

به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی
در مورد مالیات‌های بر درآمد

دفتر هیئت دولت

دولت جمهوری اسلامی ایران

و

دولت جمهوری هند

با هدف انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات‌های بر درآمد، بدون ایجاد هرگونه فرصتی برای عدم اخذ مالیات یا کاهش مالیات از طریق فرار یا اجتناب مالیاتی (همچنین، از جمله از طریق ترتیبات قراردادیابی با هدف کسب بخشودگی‌های مقرر در این موافقتنامه به طور غیر مستقیم برای منافع اشخاص مقیم دولت‌های ثالث)،

به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱

اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولت‌های متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲

مالیات‌های موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه در مورد مالیات‌های بر درآمدی اعمال خواهد شد که صرف نظر از نحوه اخذ آنها، از سوی یک دولت متعاقد، یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مراجع محلی آن وضع می‌گردد.

۲- مالیات بر درآمد عبارت است از تمامی مالیات‌های وضع شده بر کل درآمد یا اجزای درآمد، از جمله مالیات عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیات‌های موجود که این موافقتنامه در مورد آنها اعمال خواهد شد به ویژه عبارتند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد؛

ب: در مورد هند:

- مالیات بر درآمد، از جمله مالیات اضافی متعلقه.

دفتر هیئت دولت

۴- این موافقتنامه در مورد مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شود نیز اعمال خواهد شد. مقام‌های صلاحیتدار دولت‌های متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳ تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید:

الف:

۱- اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود.

۲- اصطلاح «هند» به قلمرو هند اطلاق می‌شود و شامل دریای سرزمینی و فضای محاذی آن، و همچنین سایر مناطق دریایی می‌باشد که هند حق حاکمیت، صلاحیت و سایر حقوق خود را به موجب قانون هند و مطابق با حقوق بین‌الملل، از جمله کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها، بر آن اعمال می‌نماید.

ب: اصطلاح «شخص» اطلاق می‌شود به:

- شخص حقیقی،

- شرکت، مجموعه‌ای از افراد و هر نهاد دیگری که به موجب قوانین مالیاتی جاری در دولت‌های متعاقد مربوط، به عنوان یک واحد مشمول مالیات محسوب می‌گردد.

پ: اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر نهادی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود.

ت: اصطلاحات «دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری هند اطلاق می‌شود.

ث: اصطلاحات «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می‌گردد اطلاق می‌شود.

دفتر هیئت دولت

ج: اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی یا وسایط نقلیه هوایی اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاهد انجام می‌شود، به استثنای مواردی که کشتی یا وسایط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.

چ: اصطلاح «مقام صلاحیت‌دار»:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.
- در مورد هند به وزیر دارایی دولت هند یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

ح: اصطلاح «تبعه» در ارتباط با یک دولت متعاهد، اطلاق می‌شود به:

- هر شخص حقیقی که تابعیت آن دولت متعاهد را دارد؛ و
- هر شخص حقوقی، شراکت یا انجمن که وضعیت خود را از قوانین جاری در آن دولت متعاهد کسب نماید.

۲- در خصوص اعمال این موافقتنامه در هر زمانی توسط یک دولت متعاهد، هر اصطلاحی که در آن تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قانون آن دولت راجع به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه در آن زمان می‌باشد، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد و معنای به کار رفته در قوانین مالیاتی قابل اعمال آن دولت بر معنای همان اصطلاح در سایر قوانین آن دولت ارجحیت خواهد داشت.

ماده ۴

مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاهد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل تشکیل شرکت، محل مدیریت، یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت و هر تقسیم فرعی سیاسی یا مرجع محلی آن خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱)، شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف: او فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب: هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو

دفتر هیئت دولت

دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بسر می‌برد.

پ: هرگاه او معمولاً در هر دو دولت بسر برد یا در هیچ یک بسر نبرد، فقط مقیم دولتی تلقی می‌شود که تابعیت آنرا دارد.

ت: هرگاه او تابعیت هیچ یک از دولت‌ها را نداشته باشد و یا در صورتی که نتوان بر اساس بندهای فوق او را مقیم یکی از دولت‌های متعاقد تلقی کرد، موضوع با توافق متقابل مقام‌های صلاحیتدار دولت‌های متعاقد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، آن شخص، فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

ماده ۵

مقر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابت کسب و کاری اطلاق می‌شود که از طریق آن کسب و کار یک مؤسسه کلاً یا جزئاً انجام می‌شود.

۲- اصطلاح «مقر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف: محل اداره،

ب: شعبه،

پ: دفتر،

ت: کارخانه،

ث: کارگاه،

ج: محل فروش،

چ: انبار کالا مربوط به شخصی که تسهیلات نگهداری کالا را برای دیگران فراهم می‌کند،

ح: مزرعه، کشتزار یا محل دیگری که کشاورزی، جنگلداری، کاشت یا فعالیت‌های مرتبط در آن انجام می‌گیرد،

خ: معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره‌برداری و یا استخراج از منابع طبیعی.

۳-

الف: کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن یا نصب یا فعالیت‌های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، «مقر دائم» محسوب می‌شوند ولی فقط چنانچه این کارگاه، پروژه یا فعالیت‌ها بیش از ۲۷۰ روز به طول انجامیده یا ادامه داشته باشد.

دفتر هیئت دولت

ب: ارائه خدمات، از جمله خدمات مشاوره‌ای توسط مؤسسه از طریق کارمندان یا سایر کارکنانی که مؤسسه برای چنین منظوری به کار گرفته است، مقرر دائم محسوب می‌شود اما فقط چنانچه فعالیت‌های دارای این ماهیت (برای همان پروژه یا پروژه‌های مرتبط) در داخل کشور برای یک دوره یا دوره‌هایی ادامه یابد که مجموع آنها بیشتر از ۹۰ روز در هر دوره دوازده ماهه باشد.

۴- علیرغم مقررات قبلی این ماده اصطلاح «مقرر دائم» شامل موارد ذیل نمی‌گردد:

الف: استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه.

ب: نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش.

پ: نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر.

ت: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه.

ث: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علیرغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۷) است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه دولت متعاقد دیگر فعالیت کند، آن مؤسسه در مورد هرگونه فعالیت‌هایی که این شخص برای آن مؤسسه انجام می‌دهد، در دولت متعاقد نخست دارای مقرر دائم تلقی خواهد شد، چنانچه شخص مزبور:

الف: در آن دولت دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام مؤسسه مزبور بوده و آن را به طور معمول اعمال نماید، مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در آن صورت چنانچه آن فعالیت‌ها از طریق محل ثابت کسب و کار انجام گیرند، آن محل ثابت کسب و کار را به موجب مقررات بند مذکور به مقرر دائم تبدیل نخواهد نمود؛ یا

ب: دارای چنین اختیاری نباشد ولی به طور معمول در دولت نخست انبار کالا یا اجناسی نگهداری نماید که

دفتر هیئت دولت

از محل آن به طور منظم، کالا یا اجناس را از طرف آن مؤسسه تحویل دهد؛ یا

پ: به طور معمول در دولت نخست اقدام به دریافت سفارش یا صدور پیش فاکتور به طور کامل یا تقریباً کامل برای خود مؤسسه نماید.

۶- علیرغم مقررات قبلی این ماده، در صورتی که مؤسسه بیمه یک دولت متعاقد، به غیر از بیمه اتکایی، از طریق شخصی غیر از عامل دارای وضعیت مستقل که مشمول بند (۷) است در قلمرو دولت دیگر حق بیمه وصول کند یا خطرات (ریسک) واقع در آن دولت را بیمه کند، آن مؤسسه در دولت متعاقد دیگر دارای مقر دائم تلقی خواهد شد.

۷- یک مؤسسه صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق العملکار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت دیگر دارای مقر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه اشخاص مزبور این کار را در جریان عادی کسب و کار خود انجام دهند. معذالک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، او به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل به مفهوم به کار رفته در این بند قلمداد نخواهد شد.

۸- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر است کنترل می‌کند یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶

درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- اصطلاح «اموال غیر منقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتی‌ها و وسایط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

دفتر هیئت دولت

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷ درآمدهای تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دایم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، می‌تواند در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳)، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاقد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاقد، دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دائم آن است به فعالیت‌های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد کسب و کار آن مقر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر. معذالک، چنانچه مبالغی (به غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) توسط مقر دائم به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن به عنوان حق‌الامتیاز، حق‌الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازای استفاده از حق اختراع، یا سایر حقوق، یا به عنوان حق‌العمل برای خدمات خاص انجام شده یا برای مدیریت، یا به عنوان هزینه مالی وام اعطا شده به مقر دائم (به استثنای مؤسسات بانکی)، پرداخت شده باشد به عنوان هزینه قابل قبول محسوب نخواهد شد. همچنین، در تعیین درآمد منافع مقر دائم، مبالغ هزینه شده (غیر از بازپرداخت هزینه‌های واقعی) توسط مقر دائم برای دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن به عنوان حق‌الامتیاز، حق‌الزحمه یا سایر پرداخت‌های مشابه در ازای استفاده از حق اختراع، یا سایر حقوق یا به عنوان حق‌العمل یا سایر هزینه‌ها برای خدمات خاص انجام شده یا برای مدیریت، یا به عنوان هزینه مالی وام اعطا شده به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن (به استثنای مؤسسات بانکی) محاسبه نخواهد شد.

۴- چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم بر اساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول

دفتر هیئت دولت

این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آن که مقرر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقرر دائم نخواهد بود.

۶- از لحاظ بندهای قبلی، درآمد منظور شده برای مقرر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که منافع شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸

حمل و نقل بین‌المللی

۱- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۲- از لحاظ این ماده، هزینه‌های مالی بابت سرمایه‌گذاری‌هایی که به طور مستقیم با عملیات کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین‌المللی مرتبط باشد، به عنوان درآمد حاصل از عملیات این کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی تلقی خواهد شد، مشروط به آن که جزء لاینفک انجام آن کسب و کار باشد و مقررات ماده (۱۱) در رابطه با این هزینه‌های مالی جاری نخواهد بود.

۳- مقررات بند (۱) این ماده در مورد درآمد حاصل از عضویت در یک اتحادیه، کسب و کار مشترک یا نمایندگی فعال بین‌المللی نیز نافذ خواهد بود، لیکن فقط به آن قسمت از منافع حاصله که قابل انتساب به شریک به نسبت قدرالسهم آن در فعالیت‌های مشارکت باشد.

ماده ۹

مؤسسات وابسته

۱- در صورتی که:

الف: مؤسسه یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد، یا

ب: اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد

دفتر هیئت دولت

و مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشند،

و در هر یک از دو مورد، شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که در نبود آن شرایط باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شده، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاهد درآمدهایی که در دولت متعاهد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاهد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقام‌های صلاحیتدار دولت‌های متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰

سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- با وجود این، سود سهام مزبور می‌تواند در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که مالک منافع سود سهام، مقیم دولت متعاهد دیگر باشد مالیات متعلقه از ۱۰ (ده) درصد مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد. این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

۳- اصطلاح «سود سهام» به نحو به کار رفته در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسين یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شرکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقرر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به

دفتر هیئت دولت

طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۵)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۵- چنانچه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاقد دیگر نمی‌تواند هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نکند، به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱

هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- با وجود این، هزینه‌های مالی مزبور می‌تواند در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع هزینه‌های مالی مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از ۱۰ (ده) درصد مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- علیرغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت دیگر معاف خواهد بود، مشروط به اینکه، هزینه مالی مزبور به حکومت دولت متعاقد دیگر یا تقسیم فرعی سیاسی یا مرجع محلی آن، بانک مرکزی دولت متعاقد دیگر یا مؤسسه کلاً متعلق به و تحت کنترل حکومت دولت متعاقد دیگر پرداخت شود که مالک منافع هزینه‌های مالی باشد.

۴- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه رهنی و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت

می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵) مجری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاهد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده مقیم آن دولت باشد. با وجود این، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد و در ارتباط با آن، دینی ایجاد شده است که بابت آن هزینه‌های مالی پرداخت شده است دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲

حق الامتیازها

۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاهد حاصل و به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- با وجود این، حق الامتیازهای مزبور می‌تواند در دولت متعهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق الامتیازها مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از ۱۰ (ده) درصد مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الامتیاز» به گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع نسخه‌برداری از آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلم‌های سینمایی یا فیلم‌ها یا نوارهای مورد استفاده برای پخش در رادیو یا تلویزیون، هرگونه حق اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا در ازای استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، تجاری یا علمی، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد، یا در آن دولت دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در

دفتر هیئت دولت

آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به طور مؤثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵) مجری خواهد بود.

-۵

الف: حق الامتیاز در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاهد تلقی خواهد شد که پرداخت کننده، مقیم آن دولت باشد. معذالک در صورتی که، شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که مسئولیت پرداخت حق الامتیاز در رابطه با آن ایجاد شده و پرداخت جنین حق الامتیازی بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، حق الامتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

ب: در صورتی که طبق جزء (الف)، حق الامتیازها در یکی از دولت‌های متعاهد حاصل نشود و حق الامتیازها مربوط به استفاده یا حق استفاده از حق یا اموال در یکی از دولت‌های متعاهد باشد، حق الامتیاز حاصل شده در آن دولت متعاهد تلقی خواهد شد.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق، یا اطلاعاتی که بابت آنها پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳

حق الزحمه خدمات فنی

۱- حق الزحمه خدمات فنی که در یک دولت متعاهد حاصل و به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده، می‌تواند در آن دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات شود.

۲- با وجود این، حق الزحمه خدمات فنی مزبور می‌تواند در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی و مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از ۱۰ (ده) درصد مبلغ ناخالص حق الزحمه خدمات فنی نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الزحمه خدمات فنی» به گونه مورد استفاده در این ماده، به هر نوع وجوه پرداختی، به غیر از موارد مذکور در مواد (۱۲)، (۱۵) و (۱۶) این موافقتنامه، در ازای خدمات مدیریتی یا فنی یا مشاوره‌ای از جمله

دفتر هیئت دولت

ارایه خدمات توسط کارکنان فنی یا دیگر کارکنان اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الزحمه خدمات فنی حاصل می‌شود از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد، یا در آن دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الزحمه خدمات فنی بابت آنها پرداخت می‌شود به طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵) مجری خواهد بود.

-۵

الف: حق الزحمه خدمات فنی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد شد که پرداخت کننده، مقیم آن دولت باشد. معذالک در صورتی که، شخص پرداخت کننده حق الزحمه خدمات فنی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که مسئولیت پرداخت حق الزحمه خدمات فنی در رابطه با آن ایجاد شده و پرداخت حق الزحمه خدمات فنی بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، در آن صورت، حق الزحمه مذکور برای خدمات فنی در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دایم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

ب: در صورتی که طبق جزء (الف) حق الزحمه خدمات فنی در یکی از دولت‌های متعاقد حاصل نشود و حق الزحمه خدمات فنی مربوط به خدمات انجام شده در یکی از دولت‌های متعاقد باشد، حق الزحمه خدمات فنی حاصل شده در آن دولت متعاقد تلقی خواهد شد.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الزحمه خدمات فنی که پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۴

عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیر منقول موضوع ماده (۶) که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از اموال کسب و کار مقر دایم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به

دفتر هیئت دولت

منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال یک چنین مقر دایم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۳- عواید حاصل از نقل و انتقال کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است می‌شود.

۴- عواید حاصل از نقل و انتقال سهام سرمایه شرکتی که دارایی آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در یک دولت متعاهد تشکیل شده است، می‌تواند در آن دولت مشمول مالیات شود.

۵- عواید حاصل از نقل و انتقال سهام به غیر از موارد مذکور در بند (۴) در شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد است می‌تواند در آن دولت مشمول مالیات شود.

۶- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد موضوع در بندهای (۱)، (۲)، (۳)، (۴) و (۵) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۵

خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود مگر در شرایط زیر که این درآمد می‌تواند در دولت متعاهد دیگر هم مشمول مالیات شود:

الف: چنانچه این شخص به منظور ارائه فعالیت‌های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود؛ یا

ب: در صورتی که جمع مدت اقامت وی در یک یا چند نوبت در دولت متعاهد دیگر در هر دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا در آن خاتمه می‌یابد، معادل ۱۸۳ روز یا بیشتر باشد، در این حالت فقط آن میزان از درآمدی که از فعالیت‌های انجام شده وی در آن دولت دیگر حاصل شده، می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و

همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، جراحان، وکلای دادگستری، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۶

خدمات شخصی غیر مستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۷)، (۱۹)، (۲۰)، (۲۱) و (۲۲)، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه‌ای که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات در همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود که چنانچه استخدام مزبور بدین گونه باشد حق‌الزحمه مزبور حاصل از آن می‌تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه دریافتی مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط در دولت نخست مشمول مالیات خواهد بود، مشروط بر آنکه:

الف: جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر بسر برده است از (۱۸۳) روز، در هر دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و

ب: حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی پرداخت شود که مقیم دولت دیگر نیست، و

پ: پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات یاد شده در این ماده، حق‌الزحمه حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد، به سبب استخدام در کشتی یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی می‌تواند در همان دولت مشمول مالیات شود.

ماده ۱۷

حق‌الزحمه مدیران

حق‌الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیئت مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، می‌تواند مشمول در آن دولت دیگر مالیات شود.

دفتر هیئت دولت

ماده ۱۸

هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاهد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی خود در دولت متعاهد دیگر حاصل می‌نماید، علیرغم مقررات مواد (۱۵) و (۱۶) مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- چنانچه درآمد مربوط به فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگیرد و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد، علیرغم مقررات مواد (۷)، (۱۵) و (۱۶)، می‌تواند مشمول مالیات در دولت متعاهدی شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

۳- مقررات بندهای (۱) و (۲) در خصوص درآمد حاصل از فعالیت‌های انجام شده هنرمندان و ورزشکاران در یک دولت متعاهد اعمال نخواهد شد مشروط به آنکه این دیدار از آن دولت کاملاً یا عمدتاً از محل وجوه عمومی دولت دیگر یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مراجع محلی آن تأمین شوند. در این صورت این درآمد فقط در دولت متعاهدی که هنرمندان یا ورزشکاران مقیم آن می‌باشند مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۹

حقوق بازنشستگی

با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۲۰)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به ازای خدمات گذشته فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۲۰

خدمات دولتی

-۱

الف: حقوق، دستمزد و سایر حقوق‌الزحمه‌های مشابه به جز حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاهد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مرجع محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی یا مرجع فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.
ب: با وجود این، چنانچه خدمات در آن دولت دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه فقط در دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات خواهد بود، مشروط بر آنکه آن شخص:

- تابع آن دولت دیگر باشد؛ یا
- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

دفتر هیئت دولت

الف: حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت یا تقسیم فرعی سیاسی یا مرجع محلی آن به فردی، بابت خدماتی که برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مرجع مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات در آن دولت خواهد بود.

ب: با وجود این، چنانچه شخص حقیقی مزبور مقیم و تبعه آن دولت دیگر باشد این حقوق بازنشستگی فقط مشمول مالیات در دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۳- در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه و مقرری‌های بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در خصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مرجع محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۶)، (۱۷)، (۱۸) و (۱۹) مجری خواهد بود.

ماده ۲۱

اساتید دانشگاه، مدرسین و محققین

۱- استاد دانشگاه، مدرس یا محقق که بلافاصله قبل از دیدار از دولت متعاقد دیگر به منظور تدریس یا تحقیق، یا هر دو، در دانشگاه، دانشکده یا سایر مؤسسات مورد تأیید آن دولت متعاقد دیگر، مقیم یک دولت متعاقد بوده یا می‌باشد، نسبت به هر حق الزحمه‌ای که بابت این تدریس یا تحقیق دریافت می‌کند، تا مدتی که از ۲ سال پس از تاریخ نخستین ورودش به آن دولت دیگر تجاوز نکند، از مالیات در آن دولت دیگر معاف خواهد بود.

۲- این ماده نسبت به درآمد حاصل از تحقیق و صرفاً در صورتی که تحقیق توسط شخص حقیقی برای نفع عمومی و نه اساساً برای نفع شخص یا اشخاص خاصی انجام پذیرد مجری خواهد بود.

ماده ۲۲

محصّلین

۱- محصلی که بلافاصله قبل از دیدار از دولت متعاقد دیگر مقیم یک دولت متعاقد بوده یا می‌باشد و صرفاً برای تحصیل یا کارآموزی در آن دولت متعاقد دیگر بسر می‌برد، علاوه بر کمک‌های بلاعوض، وام‌ها و راتبه‌های تحصیلی، در موارد ذیل نیز از مالیات در آن دولت دیگر معاف خواهد بود:

الف: وجوهی که برای هزینه زندگی، تحصیل یا کارآموزی از سوی اشخاصی که مقیم خارج از آن دولت دیگر هستند دریافت می‌کند؛ و

ب: حق الزحمه حاصل از استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده در صورتی که استخدام به طور مستقیم با مطالعات او مرتبط باشد.

دفتر هیئت دولت

۲- مزایای این ماده صرفاً برای مدت زمان معقول، یا متعارف مورد نیاز، برای تکمیل آن دوره آموزشی یا کارآموزی قابل تمدید خواهد بود، لیکن در هیچ موردی مزایای این ماده بیش از ۷ سال متوالی از تاریخ اولین ورود آن شخص به آن دولت دیگر برای آموزش یا کارآموزی اعطا نخواهد شد.

ماده ۲۳

سایر درآمدها

۱- ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن پرداخت شده است با این مقر دائم یا پایگاه ثابت به نحوی مؤثر مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵) اعمال خواهد شد.

۳- علیرغم مفاد بندهای (۱) و (۲)، ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد پیشین این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است و در دولت متعاقد دیگر حاصل شده است، در آن دولت دیگر نیز می‌تواند مشمول مالیات شود.

ماده ۲۴

آئین حذف مالیات مضاعف

توافق می‌شود که از مالیات مضاعف طبق بندهای زیرین این ماده اجتناب خواهد شد:

۱- در مورد جمهوری اسلامی ایران:

الف: چنانچه مقیم جمهوری اسلامی ایران درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه می‌تواند مشمول مالیات در هند شود، جمهوری اسلامی ایران اجازه خواهد داد مبلغی معادل مالیات بر درآمد پرداختی در هند از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

با وجود این، کسور مزبور نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر به آن درآمد تعلق می‌گرفته و می‌تواند مشمول مالیات در هند گردد، بیشتر باشد.

ب: چنانچه طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه، درآمد حاصل توسط مقیم جمهوری اسلامی ایران از

دفتر هیئت دولت

مالیات هند معاف باشد، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند، علیرغم معافیت، در محاسبه میزان مالیات بر باقیمانده درآمد آن مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

۲- در مورد هند:

الف: چنانچه مقیم هند درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه می‌تواند مشمول مالیات در جمهوری اسلامی ایران شود، هند اجازه خواهد داد مبلغی معادل مالیات پرداختی در جمهوری اسلامی ایران از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

با وجود این، کسور مزبور نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر به درآمدی که ممکن است می‌تواند مشمول مالیات در جمهوری اسلامی ایران شود، تعلق می‌گرفته، بیشتر باشد.

ب: چنانچه طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه، درآمد حاصل توسط مقیم هند از مالیات هند معاف باشد، هند می‌تواند علیرغم معافیت، در محاسبه میزان مالیات بر باقی مانده درآمد آن مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۵

عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین‌تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت دیگر به ویژه از لحاظ اقامت، تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علیرغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می‌شود نباید در آن دولت دیگر از مالیات مؤسسات آن دولت دیگر که همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهند نامساعدتر باشد. این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسئولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

۳- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، در دولت نخست مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین‌تر یا غیر از مالیات و الزامات مربوط به آن است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

دفتر هیئت دولت

۴- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱)، بند (۶) ماده (۱۲) یا بند (۶) ماده (۱۳) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق‌الامتياز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود.

۵- مقررات این ماده، نسبت به مالیات‌های موضوع این موافقتنامه اعمال خواهد شد.

ماده ۲۶

آئین توافق دوجانبه

۱- چنانچه شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با مقررات این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین داخلی دولت‌های مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۵) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل رضایت‌بخشی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. هرگونه توافقی که حاصل شود علیرغم هر گونه محدودیت‌های زمانی در قانون داخلی دولت‌های متعاقد لازم‌الاجرا خواهد بود.

۳- مقام‌های صلاحیتدار دولت‌های متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دو جانبه فیصله دهند و آنها همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقام‌های صلاحیتدار دو دولت متعاقد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقام‌های صلاحیتدار با مشورت یکدیگر، آیین‌ها، شرایط، روش‌ها و فنون مقتضی را برای اجرای آیین توافق دو جانبه مقرر در این ماده فراهم می‌آورند.

ماده ۲۷

تبادل اطلاعات

۱- مقام‌های صلاحیتدار دولت‌های متعاقد اطلاعاتی را، از جمله اسناد، یا رونوشت‌های برابر با اصل اسناد که پیش‌بینی می‌شود برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اعمال یا اجرای قوانین داخلی راجع به

دفتر هیئت دولت

مالیات‌های از هر نوع و وصف که از سوی دولت‌های متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مراجع محلی آنها وضع شده‌اند، تا حدودی که مالیات به موجب آن قوانین مغایر با این موافقتنامه نباشد مبادله خواهند کرد. مواد (۱) و (۲) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود.

۲- هر نوع اطلاعاتی که به موجب بند (۱) این ماده به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می‌شود، با آن به همان شیوه اطلاعات بدست آمده به موجب قوانین داخلی آن دولت به عنوان اطلاعات سری رفتار می‌شود، و فقط برای اشخاص یا مراجعی (از جمله دادگاهها و مراجع اداری) فاش می‌شود که به امر تشخیص، وصول، اجرا یا پیگرد، یا به تصمیم‌گیری در مورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیات‌های اشاره شده در بند (۱) این ماده یا نظارت بر موارد فوق اشتغال دارند. اشخاص یا مراجع یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاه‌ها یا طی تصمیمات قضایی فاش سازند. علیرغم موارد مذکور، اطلاعات دریافتی توسط یک دولت متعاقد می‌تواند برای اهداف دیگری استفاده شود مشروط به آنکه استفاده از اطلاعات مزبور برای چنان اهدافی به موجب قوانین هر دو دولت امکان‌پذیر باشد و مقام صلاحیتدار دولت ارائه دهنده اطلاعات اجازه چنین استفاده‌ای را داده باشد.

۳- مقررات بند (۱) و (۲) این ماده در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد؛ الف: اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.

ب: اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا جریان عادی اداری خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ: اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

۴- هرگاه اطلاعاتی طبق این ماده توسط یک دولت متعاقد درخواست شود، دولت متعاقد دیگر از اقدامات جمع‌آوری اطلاعات خود برای اکتساب اطلاعات درخواستی استفاده خواهد کرد، حتی اگر آن دولت دیگر برای اهداف مالیاتی خود نیازی به این گونه اطلاعات نداشته باشد. تعهد مندرج در جمله قبلی مشمول محدودیت‌های بند (۳) این ماده است، اما در هیچ مورد نباید چنین محدودیت‌هایی به گونه‌ای تعبیر گردد که به یک دولت متعاقد اجازه دهد از ارائه اطلاعات صرفاً به این دلیل استنکاف کند که هیچ گونه منفعت داخلی نسبت به این گونه اطلاعات ندارد.

۵- در هیچ صورت، مقررات بند (۳) این ماده به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که به یک دولت متعاقد اجازه دهد از ارائه اطلاعات صرفاً به این دلیل استنکاف کند که اطلاعات مزبور در اختیار بانک، سایر مؤسسات مالی، نمایندگان یا اشخاصی است که در جایگاه نماینده یا امین فعالیت می‌کنند یا به این دلیل که با منافع مالکانه نسبت به یک شخص ارتباط دارد.

دفتر هیئت دولت

ماده ۲۸

برخورداری از مزایا

علیرغم سایر مقررات این موافقتنامه، هرگاه، با درنظر گرفتن تمامی حقایق و شرایط مرتبط، به طور منطقی بتوان نتیجه گرفت که یکی از اهداف اصلی هرگونه ترتیبات یا معاملات که به طور مستقیم یا غیر مستقیم منتج به بهره‌مندی از مزایای موافقتنامه شده، کسب مزیت مزبور بوده است، آن مزیت در مورد آن قلم از درآمد اعطا نخواهد شد؛ مگر اینکه اثبات گردد اعطای آن مزیت در این‌گونه شرایط مطابق با هدف و منظور مقررات مربوطه در این موافقتنامه بوده است.

ماده ۲۹

اعضای هیئت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیئت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۳۰

لازم‌الاجرا شدن

- ۱- دولت‌های متعاقد کتباً، از طریق مجاری دیپلماتیک یکدیگر را از تکمیل مراحل ضروری طبق قوانین مربوط برای لازم‌الاجرا شدن این موافقتنامه مطلع خواهند نمود.
- ۲- این موافقتنامه از تاریخ آخرین اطلاعیه‌های موضوع بند (۱) این ماده قوت قانونی خواهد یافت.

۳- مقررات این موافقتنامه در موارد زیر نافذ خواهد بود:

الف: در جمهوری اسلامی ایران، در مورد مالیات‌های بر درآمد حاصل در هر سال مالی که از اول فروردین (برابر با ۲۱ مارس در هند) متعاقب سال تقویمی که در آن این موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌گردد یا پس از آن شروع می‌شود؛

ب: در هند، در مورد مالیات‌های بر درآمد حاصل در هر سال مالی که از اول آوریل (برابر با ۱۲ فروردین در جمهوری اسلامی ایران) متعاقب سال تقویمی که در آن این موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌گردد یا پس از آن شروع می‌شود.

دفتر هیئت دولت

ماده ۳۱

فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعهد فسخ نشده لازم‌الاجرا خواهد بود. هریک از دولت‌های متعهد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری دیپلماتیک، با ارایه اطلاعیه فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم‌الاجرا می‌گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف: در جمهوری اسلامی ایران، در مورد مالیات‌های بر درآمد حاصل در هر سال مالی که از اول فروردین (برابر با ۲۱ مارس در هند) متعاقب سال تقویمی که در آن این یادداشت ارائه می‌گردد یا پس از آن شروع می‌شود؛

ب: در هند، در مورد مالیات‌های بر درآمد حاصل در هر سال مالی که از اول آوریل (برابر با ۱۲ فروردین در جمهوری اسلامی ایران) متعاقب سال تقویمی که در آن این یادداشت ارائه می‌گردد یا پس از آن شروع می‌شود.

این موافقتنامه در دهلی نو در دو نسخه در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۸ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۸/۰۲/۱۷ میلادی به زبان‌های فارسی، هندی و انگلیسی تنظیم گردید که همه متون از اعتبار یکسان برخوردار هستند. در صورت بروز هر گونه اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی ملاک خواهد بود.

در تأیید مراتب فوق، امضاء کنندگان زیر که به طور مقتضی مجاز می‌باشند، این موافقتنامه را امضا نمودند.

از طرف

دولت جمهوری هند

از طرف دولت

جمهوری اسلامی ایران

دفتر هیئت دولت

پروتکل

در هنگام امضای موافقتنامه بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری هند به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد، مقررات زیر که جزء لاینفک موافقتنامه را تشکیل می‌دهد مورد توافق امضاکنندگان قرار گرفت:

۱- از لحاظ این موافقتنامه بدیهی است که:

الف: اصطلاح «سال مالی» اطلاق می‌گردد به:

- (۱) در مورد هند: سال مالی که از اولین روز آوریل (۱۲ فروردین) شروع می‌شود؛
 (۲) در مورد جمهوری اسلامی ایران: سال مالیاتی / سال مالی به گونه‌ای که در قانون مالیات‌های مستقیم جمهوری اسلامی ایران تعریف شده است.

ب: اصطلاح «مالیات» بنا به اقتضای متن به مالیات ایران یا مالیات هند اطلاق می‌شود، اما شامل هیچ گونه وجهی که بابت قصور (عدم پرداخت بدهی در موعد مقرر) یا از قلم افتادگی مرتبط با مالیات‌های مشمول این موافقتنامه یا بابت جریمه وضع شده در ارتباط با مالیات‌های مزبور قابل پرداخت است، نخواهد بود. به علاوه، مبالغ پرداختنی بابت قصور (عدم پرداخت بدهی در موعد مقرر)، از قلم افتادگی یا جریمه مذکور، در تخصیص اعتبار مالیاتی منظور نخواهد شد.

۲- به منظور محاسبه محدودیت زمانی جزء (الف) بند (۳) ماده (۵)، دوره ۲۷۰ روزه از تاریخ شروع خود فعالیت ساخت محاسبه می‌شود. زمانی که صرفاً صرف فعالیت‌های مقدماتی مانند کسب مجوزها و پروانه‌ها شده است، منظور نمی‌شود.

۳- با توجه به بند (۳) ماده (۸) بدیهی است که:

منافعی که مؤسسه حمل و نقل یک دولت متعاقد از محل استفاده، تعمیر و نگهداری، یا اجاره بارگنج‌ها (شامل کیشنده و سایر تجهیزات حمل و نقل بارگنج‌ها) مورد استفاده برای حمل و نقل کالا یا اجناس در حمل و نقل بین‌المللی کسب می‌کند و نسبت به حمل و نقل بین‌المللی برای عملیات کشتی‌ها و وسایط نقلیه هوایی آن، جنبه تکمیلی یا اتفاقی دارد صرفاً در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه آن بارگنج‌ها فقط در دولت متعاقد دیگر مورد استفاده قرار گیرند.

۴- از لحاظ ماده (۱۱)، در مورد هند، اصطلاح «بانک مرکزی» به معنای «بانک ذخیره هند» می‌باشد.

۵- با توجه به ماده (۱۵) بدیهی است که این ماده صرفاً در مورد شخص حقیقی مقیم اعمال می‌گردد.

۶- با توجه به بند (۱) ماده (۲۱) بدیهی است که:

دفتر هیئت دولت

از لحاظ این ماده، شخص حقیقی در صورتی مقیم یک دولت متعاقد تلقی می‌شود که در سال مالی که از دولت متعاقد دیگر دیدار داشته است یا بلافاصله در سال قبل آن، مقیم آن دولت بوده است.

۷- با توجه به بند (۲) ماده (۲۵- عدم تبعیض) بدیهی است که:

این مقررات چنان تلقی نخواهد شد که یک دولت متعاقد را از وضع مالیات بر منافع مقرر دائمی که شرکت دولت متعاقد دیگر در دولت نخست دارد، با نرخ مالیاتی بیش از آنچه منافع شرکت مشابه دولت متعاقد نخست مشمول می‌شود، باز دارد، یا آنکه معایر با مقررات بند (۳) ماده (۷) باشد. به علاوه، بدیهی است که به هیچ وجه اخذ مالیات از مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر نامطلوب‌تر از مالیات اعمالی نسبت به مقرر دائم مؤسسه دولت ثالث با فعالیت‌های مشابه به موجب موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف منعقد شده توسط دولت متعاقد دیگر با آن دولت ثالث نخواهد بود.

۸- در مورد ماده (۲۷- تبادل اطلاعات)، بدیهی است:

الف: درخواست تبادل اطلاعات صرفاً زمانی انجام می‌شود که دولت متعاقد درخواست کننده، تمامی امکانات موجود در قلمرو خود را به منظور کسب آن اطلاعات، به جز مواردی که منجر به بروز مشکلات نامتناسب می‌شود، به کار گرفته باشد.

ب: دولت درخواست کننده، در صورت درخواست اطلاعات به موجب ماده (۲۷)، اطلاعات زیر را برای دولت درخواست شونده فراهم خواهد کرد:

(۱) مشخصات هویتی، از جمله: نام شخص تحت بررسی یا رسیدگی؛ همچنین هر گونه مشخصات دیگر از قبیل: نشانی، کد اقتصادی مؤدی و کد ملی که در صورت موجود بودن، شناسایی آن شخص را تسهیل کند.

(۲) دوره زمانی که اطلاعات بابت آن درخواست شده است؛

(۳) شرح اطلاعات درخواستی از جمله محتوا و شکل، در صورت موجود بودن، که مطابق آن دولت درخواست کننده خواستار دریافت اطلاعات از دولت درخواست شونده است؛

(۴) هدف مالیاتی که به سبب آن اطلاعات درخواست می‌شود؛

(۵) تا حد امکان، نام، نشانی و سایر مشخصات مذکور در ردیف (۱) این جزء در مورد هر شخصی که انتظار می‌رود اطلاعات درخواستی در اختیار وی باشد.

ب: منظور از اشاره به «ارتباط قابل پیش‌بینی» پیش‌بینی تبادل اطلاعات راجع به موضوعات مالیاتی در گسترده‌ترین میزان ممکن و همزمان تصریح این است که دولت‌های متعاقد مجاز به درخواست اطلاعات بر مبنای اتفاقی یا درخواست اطلاعات غیر مرتبط با امور مالیاتی مؤدی مفروض نخواهند بود.

ت: تبادل اطلاعات به صورت خودکار یا خود انگیخته، پس از حصول توافق اجرایی بین مقام‌های

صلاحیتدار هر دو دولت متعاهدمی تواند قابل اجرا باشد.

ث: در مواردی که تبادل اطلاعات مستلزم هزینه‌هایی بیش از هزینه‌های معمول در رویه اداری دولت درخواست شونده باشد، طبق توافق دوجانبه مقام‌های صلاحیتدار دولت‌های متعاقد در مورد آن، دولت درخواست کننده هزینه‌های اضافی را به عهده خواهد گرفت.

ج: دولت درخواست شونده ملزم خواهد بود تضمین نماید که داده‌های ارائه شده صحیح باشد. اگر معلوم شود که داده‌های نادرست ارائه گردیده است، دولت درخواست کننده بدون تأخیر در جریان این امر قرار خواهد گرفت. آن دولت ملزم خواهد بود که داده‌های مذکور را بدون تأخیر اصلاح کند.

چ: دولت‌های درخواست شونده و درخواست کننده ملزم به اتخاذ اقداماتی مؤثر به منظور محافظت از اطلاعات ارائه شده در قبال دسترسی، تغییر و افشای غیر مجاز خواهند بود.

۹- بدیهی است در صورتی که ایران در قوانین داخلی خود مقرراتی را در خصوص مساعدت در وصول مالیاتها با سایر شرکای قراردادی وضع نماید یا با تسری این گونه مساعدت‌ها به سایر شرکای قراردادی موافقت نماید، در آن صورت مقام‌های صلاحیتدار دو دولت متعاقد از طریق توافق دوجانبه روش اعمال تسری مساعدت در وصول مالیاتها به یکدیگر را حل و فصل خواهند نمود.

۱۰- تا حدودی که به برخورداری از مزایا به موجب این موافقتنامه مربوط است، بدیهی است که مقررات این موافقتنامه به هیچ وجه مانع یک دولت متعاقد برای اجرای مفاد قانون داخلی خود و اقدامات مربوط به فرار یا ترفند مالیاتی نخواهد شد.

این پروتکل در دهلی نو در دو نسخه در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۸ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۸/۰۲/۱۷ میلادی به زبانهای فارسی، هندی و انگلیسی تنظیم گردید که همه متون از اعتبار یکسان برخوردار هستند. در صورت بروز هر گونه اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی ملاک خواهد بود.

در تأیید مراتب فوق، امضاکنندگان زیر که به طور مقتضی مجاز می‌باشند، این پروتکل را امضا نمودند.

از طرف دولت

جمهوری هند

از طرف دولت

جمهوری اسلامی ایران

دفتر هیئت دولت